

طهران و ولایات : ۳ تومان
آذربایجان و زنجان : ۲۵ قران
ممالک خارجه : يك ايره انگلیسی
(بمعلمین و شاگردان مدارس فقط در طهران
پنجقران تخفیف داده میشود)
اعلانات

مردم کله بیکقران (برای مشترکین ۳۰ کله
بخانی است)

آینده

با قسمتهای تاریخی ، اجتماعی
اقتصادی و غیره

تعلیم ابتدائی یا تعلیم عالی؟

بقلم آقای تقی زاده

نماینده محترم مجلس شورای ملی

از اقتراحات مجله «آینده» در شماره ۲ یکی نیز سؤال فوق بود که بعقیده اینجانب حلّ این سؤال خود موضوع مهمی است و قبول افکار عامه مملکت یکی از دو مطلب را یعنی اهم بودن تعلیم ابتدائی یا تعلیم عالی قدیمی بزرگ در پیدا کردن شاهراه نجات و ترقی خواهد بود. همین جهت نویسنده این سطور نیز خواست بقدر مقدور در جواب این سؤال هر آنچه بفهم قاصرش میرسد بطور اختصار بخوانندگان مجله تقدیم کند.

اولاً مقصود از تعلیم ابتدائی قطعاً تعلیم ابتدائی عمومی یا اقلاً وسیع الانتشار است و موضوع سؤال مقایسه فواید تعلیم ابتدائی عمومی یا تعلیم عالی محدود است و رنه عنوان سؤالی در باب ترجیح تعلیم ابتدائی و تعلیم عالی بر یکدیگر در یک حوزه معین محدودی عجیب بوده و استفتاء مطلب بدیهی است. اگر کسی از شما بپرسد که ما بصد نفر جوانی که در تحت تربیت ماست تعلیم ابتدائی بدیم یا تعلیم عالی شما این سؤال را غریب خواهید پنداشت و شاید بدون تأمل خواهید گفت واضحست که کمال بهتر از نقص است و غنا بهتر از فقر، لکن مسئله خیلی فرق میکند و قتیکه کسی سؤال کند که ما یک سرمایه محدودی برای صرف در تعلیم داریم و این سرمایه کافی

تعلیم عالی هزار نفر جوان است یا تعلیم ابتدائی پنجاه هزار نفر طفل پس این سرمایه را بکدام يك از این دو امر خیر صرف بکنیم بهتر است آنوقت است که مسئله نظری میشود و جواب استفتاء خیلی آسان نیست خصوصاً که در نظر گرفتن «وضع امروزه ایران (بی پولی - بی معلمی - بی کتابی - اداره بازی...)» شرط شده باشد.

حل این مسئله فی الواقع برای پیشوایان امروزه ترقی ایران اهمیت اساسی دارد و باید از مجله «آینده» ممنون شد که این اقتراح را طرح نموده است.

بجای اینکه بفرضیات برویم خوبست عین مسئله مبتلا به را ذکر کنیم، در میزان جمع و خرج مملکت ایران مبلغی که قریب يك كرور تومان است برای معارف منظور شده است این مبلغ برای نشر علم در مملکت و ترقی دادن پایه معرفت ملت ایران است (و یا باید برای این مقصود باشد) حالا مطلب اینست که آیا بهتر است قسمت بزرگ و بلکه نه عشر این پول را صرف تعلیم ابتدائی در اکناف مملکت بکنیم و یا قسمت عمده را مخصوص تاسیس و نگاهداری مدارس عالی و مدارس متوسطه بنمائیم.

جواب این مسئله بعقیده اینجانب بدون تردید آنست که تعلیم ابتدائی و وسعت دائره آن در مملکت بقدری مهم و مفید است که حتی با اهمیت تعلیم عالی قابل قیاس هم نیست، ذیلا دلایلی که بنظر میرسد ثبت میشود.

۱ - این مسئله اگر درست دقیق شویم در واقع ارتباط دارد بیک مسئله دیگر اساسی و آن اینست که آیا تربیت و ترقی و تمدن ملت جاهلی بواسطه طبقه مدیره عالم آن ملت حصول یابد و یا وجود و ظهور طبقه مدیره عالم ولایق و امکان سرکار آمدن آن طبقه و بقاء و استحکام موقع آن طبقه در حکومت و پیشرفت کار از آنها برنخورد نشان بموانع و مشکلات، طاقت فرسا و دانشکن

در هر قدم اصلاً بسته بوجود ملت با معرفتی است که افکار عامه در آن اندکی آثار رشد داشته و در حال افکار عامه مردم اسلامبول و یکیچربها در عهد سلطان محمود و ایجاد نظام جدید و با افکار عامه امروزی اردبیل و قم نباشد. البته در همین باب هم عقاید خیلی مختلف است را شخصی هستند که تاریخ پطر کبیر روسی، حکومت حالیه روسیه و ایتالی، کمولانکلیسی، میکادوی متوفی ژاپنی، محمدعلی پاشای مصری را بطور سطحی خوانده و برای خود نتیجه گرفته اند که اشخاص بزرگ در هر مملکتی عطیه خداوندی است و نجات هر قومی وقتی حصول می پذیرد که خداوند یکی از افراد آن قوم را برانگیزد و باو قدرت بدهد که ملت خود را تربیت نموده بپایه ترقی برساند خواه آن ملت استعداد و مایه ترقی و شرایط تمدن را داشته باشند و خواه از این شرایط محروم باشد، لکن با وجود عدم انکار اهمیت اشخاص تاریخی در زندگی ملل ارباب بصیرت در تاریخ که تعمق کافی در اسرار آن کرده اند شکی ندارند که نه تنها ظهور اشخاص بزرگ دانا و لایق و عاقل و درستکار و باهمت بلکه مخصوصاً پیشرفت کار آنها و با اقل دوام نتایج اعمال آنها منحصر است بسته با استعداد و علم و تربیت و رشد اجتماعی و سیاسی و عقلی ملتی است که آنها را می پروراند و محال عقلی است که اصلاحات رجال خیر خواه در مملکت محروم از تربیت و تعلیم دوام پیدا کند و حتی ظهور طبقه مدیره لایق و خیر خواه و باهمت در میان چنان ملتی نشود از امتناعات ریاضی است. مساعی محمد علی پاشای مصری در نظام جدید و تاسیس مدارس عالی و اسمعیل پاشا در قشنگی کوجهای مصر و تاسیس نیاتر و باغ عمومی بکجا منتهی شد؟ پس از هفتاد سال مساعی ترقیخواهی باین رویه (یعنی تربیت طبقه مدیره و بنای مدارس عالی) بقول یکی از مورخین مصری بیشتر از سی هزار قشون نظامی مصر که بهنام مقدسات آسمانی قسم خورده بودند که تا دم مرگ در دفاع استقلال مصر ایستادگی نموده و از عراقی پاشا جدا نشوند در مقابل عده از قشون انگلیس که کمتر از نصف عدد

آنها بوده و هفت هزار آنها هندی بود در التل الكبير پاشیده شدند و مصر را بدست ملت خارجی سپردند چرا بر آنکه سلطان عثمانی که خلیفه مسلمین بود فرمان باغی گری عراقی را باصرار و تهدید انگلیسها در اسلامبول صادر کرده و در جرائد نشر کرده بود و مأمورین انگلیس مقدار خیلی زیادی از روزنامه الجوائب عربی منطبعه اسلامبول که فرمان سلطان را بعربی داشت گرفته و در اردوی مقابل خود در التل الكبير منتشر کردند و برای قشون قسم خورده مصر که برای دفاع حقوق سلطان در مصر جنگ میکرد در بگدقیقه عمل واجب حرام شد. زحمات پتر کبیر با همه عقل و دور اندیشی او روسیه را از مخاطرات عظیمه ایمن نکرد و در واقع هیمنت در بار زاری و تشکیلات آندولت يك هيكل خوش ظاهر و پوسیده بود که چون تکیه بر ملت باسواد نداشت در مقابل طوفان امواج تاریک هشتاد میلیون مؤثر يك بی سواد و بی رشد سیاسی درهم شکست. سلطان محمود و سلطان مجید عثمانی با همه میل ترقی که داشتند چه خطری را از مملکت خود توانستند دفع کنند و اصلاحات آنها در میان ملت جاهل خود چه پیشرفتی کرد؟ لکن امثال میکادوی سابق و سید احمد خان هندی سر حقیقی ترقی را دریافتند و بتعلیم عمومی صرف مساعی کردند و نتیجه اعمال اولی مشهود است و ثمره جهد دومی در آینده زد بک روشنتر خواهد شد. ملت جاهل و نیشوایان جسمانی و روحانی جاهل اوسد عظیم و طلسم ظلمت پولاد شکنی در مقابل هر نوع همت عالی اصلاح طلب است و عاقبت دندانهای چرخ آهنین شخم کن و تخم پاش ترقی در آن زمین ریگزار بر خار سخت پر از سنک تعصب و کلونج خرافات یکی بعد از دیگری خواهد شکست

۲ - وقتیکه بعضی ممالک را که تعلیم عالی بدرجه قصوی و دارالفنونهای خیلی عالی و کامل و کتابخانها و موزه ها و مجامع علمی (آکادمی) و همه نوع تأسیسات علمی و مدنی عالی از هر قبیل داشته اند ولی عامه ملت در آنها بیسواد بوده بابعضی دیگر از ممالک که در آنها ملت باسواد و دارای تعلیم

ابتدائی بوده ولی تعلیم عالی نسبتاً وسعت زیاد ندارد مقایسه کنیم فرق حقیقی تأثیر تعلیم ابتدائی در حیات ملل روشن میشود. مملکت روسیه تا بیست سال قبل از این نه دارالفنون داشت که در آنها قریب بیست هزار نفر تحصیلات عالی خود را تکمیل میکردند، تمام وسائل و وسائط علمی که در ممالک اروپای غربی است در آنجا نیز کاملاً یا با کمی فرق موجود بوده، مجامع علمی، موزه ها و کتابخانهای خیلی معتبر و عالی، انجمنهای صنعتی طبعی، زراعتی، صحتی، مهندسی و غیره از هر قبیل دایر بود علاوه بر دارالفنونها شش مدرسه عالی طبّی که یکی مخصوص زنها بود، شش آکادمی عالی علوم روحانی، شش مدرسه عالی نظام، پنج تأسیس راجع بعلم السنه و لغات، سه تأسیس راجع بالسنه شرقیه، سه مدرسه عالی علم حقوق، چهار مدرسه بیطارى، چهار مدرسه عالی فلاحه، دو مدرسه عالی معدن شناسی، چهار مدرسه عالی مهندسی و دو دارالفنون مخصوص نسوان داشت. در این مملکت علماء خیلی بزرگ درجه اول مانند علمای بزرگ سایر ممالک اروپا در هر فن زیاد بودند، اطباء، مهندسی و سیاسیون فراوان آنها نه در کمیت و نه در کیفیت از ممالک بزرگ دیگر فرنگ خیلی عقب نبودند. اما بتعلیم ابتدائی عمومی توجهی کافی نبود. نه تنها تحصیل در دارالفنونها و حتی در مدارس متوسطه از امتیازات طبقه متمول و عالی مملکت بود و نه تنها تعلیم ابتدائی کاملاً اهمال شده و طبقه عامه از سواد و تحصیل ابتدائی محروم بودند بلکه وزارت معارف آن مملکت هر نوع اقدامات خصوصی یا ملی را برای نشر سواد در میان طبقه بیسواد ملت منع میکرد. در چهل سال قبل پس از آنکه ۱۲۲ سال بود که در مملکت همسایه بلافاصله روسیه یعنی آلمان تعلیم اجباری عمومی جاری بود در روسیه برای هر ۲۶۶۵ نفر یک مدرسه و از هر ۴۸ نفر سکنه یک شاگرد مکتبی بود. بموجب احصائیه سال ۱۸۹۷ مسیحی عدّه اشخاص بیسواد در میان اهالی بلوکات و دهاقین از قریب نود درصد تا پنجاه درصد از عدّه نفوس و در میان اهالی شهرها از ۶۴

درصد تا ۳۷ درصد بود نتیجه این بیسوادى عمومى و دورى افق نظر و پايه معرفت طبقه مدبره آن مملکت از عامه ملتى که در تحت اداره آن طبقه بودند و عدم استحکام این بنای بظاهر عظیم در بيست سال اخير بطورى واضح شد که حاجت بشرح نيست. از طرف ديگر مملکت کوچک دانمارک را در نظر بياوريد، این مملکت اگرچه از حيث ثروت نسبت به بزرگى خود خيلى خوشبخت است فقط يك دارالفنون دارد ولى تمام اهل مملکت بدون استثنا باسواد هستند و تعليم عمومى ابتدائى اجبارى و مجانى است مردمان آن خوشبخت و مشغول کار و سياستش مثمر و موجب ترقى مملکت است. برای وضوح مقایسه مملکت آلمان را نیز در نظر بياوريد که در کثرت نفوس و شکست در جنگ شبا هتس بروسیه بیشتر است اگرچه آنجا تعليم عالی هم بقدر کافی ترقى دارد ولى عمده برای انتشار فوق العاده تعليم ابتدائى است که پس از اينهه صدمات فوق الطاقه بعد از جنگ و انقلابات داخلى و فقر و از دست دادن تمام مستملکات و مقدار زيادى از خاک خود و واقع شدنش در زير فشارهاى گرسکن از هم نپاشيد و باز دست و پاى خود را جمع کرده قدی علم میکند.

۳ - روح مطلب اينست که تجربه هزاران سال تاريخ دنيا بطور قطع ثابت کرده که ترقى حقيقى يك مملکت مستقل ممکن نيست مگر بمعاضدت و همدستى و اشتراك افکار خود مردم آن مملکت يا اکثريت آنها و تکیه طبقه مدبره بر همفکرى و آمادگى ملت در اصلاحات و بدون اين ترتيب حکومت طبقه مدبره اصلاح خواه و ترقى طلبى (اگر نادراً بر خلاف ميل و سعى ملت همچو حکومتى مثل يك موهبت نادر آسمانى در آن مملکت ظهور کند) مانند حکومت يك مشت بيوگانه و غاصب بوده هر قدمى که بردارد باشکال تراشيهای طاقت فرسا از طرف خود ملت که دشمن آن اصلاحات است و بنظر خصومت بآن اقدامات نگاه میکند بر ميخورد و اضلال و کفر و افساد تلقى ميشود. در اين صورت پيشوايان

ترقی و تمدن هر قوم ناگزیر از هم عقیده ساختن عامه با خود در مقاصد عالیّه خویش بوده و محتاج بنشر عقاید خود و محسنات و مرجحات و فواید مادی و معنوی آن عقاید با دلایل حقیقی و صحیح در میان گروه انبوه قوم خود میباشند و هیچ چاره جز این نیست و اگر هم باشد راه بیخطر و راست نیست .

خوب حالا این نشر عقاید بچه وسیله میسر است؟ پیش از اختراع خط تصویری در مصر و چین و خط حروفی در جزیره کربت و جزایر بحر الجزائر یا فنیقیه تکلیف نوع بشر معلوم بود و فقط اسباب و آلات او در نشر عقیده منحصر بزبان بود بعد از اختراع خط نیز تا وقتی که فهم این معما یعنی خواندن مطالب مخصوص يك طبقه بسیار كوچك و محدود بوده این هنر در دیر ها و مساجد محبوس بود و آلت تبادل افکار عمومی نشده بود باز میدانیم که دعوات و مبلغین مقاصد دینی و سیاسی بایستی شهر بشهر و قریه بقریه بگردند و يك بيك مردم را ملاقات و با هر کدام يگان يگان چندین روز و ساعت صحبت کرده و اگر مقصد سرّی بود بهر تك تك مردم مطالب خود را تکرار و هزاران مرتبه از ابتدا تا انتها بیان بنمایند . ابو مسلم خراسانی و رفقای او ، قرامطه ، اتباع حسن بن صباح ، مبشرین مسیحی ، مبلغین حقوق انسان و آزادی در فرانسه همه باین ترتیب برزحمت و طاقت شکن کار کردند و درست مثل رفتن واسکو دو گاما بدماغه امید و کریستوف کلمب با آمریکا بدون وسائل سهله در مقصود خویش که آسانتر از سیاحت دور کره زمین با شتر نبود میکوشیدند

لکن پس از آنکه دانایان آلمان وانگلیس و فرانسه چاره آسانی برای تبادل افکار در میان افراد يك ملت پیدا کردند و تعلیم عمومی را اجباری نموده مقالات جرائد و کتب را جانشین نطق ها کردند دائره نشر عقاید و خیالات و مباحثه و مذاکره بین میلیونها مردم يك مملکت يك بر هزار و سعت

گرفت و مطالب زود حلاجی و پخته و منتشر گردید. مثلاً اگر يك ناطق خوش بیان و پرشور و مسلح بیرهات و دلیل با يك نفر مخالف عقیده خود یا يك مرد ساده لوح عوام در مطلبی مذاکره کند و پس از دو ساعت نطق و اقامه ادله مقصود خود را باو مدلل کرده و او را شريك عقیده خود سازد تازه ممکن است پس از اینهمه نطق و خستگی یکی دیگر وارد اطاق شود و مطلب را از سر بگیرد و همان ایرادات را که مخاطب اول کرده و جواب شنیده باز پیش بیاورد و باز مباحثه در بگیرد و اگر ناطق پرشور باز دو ساعت دیگر صرف اوقات کند تازه دو نفر را معتقد بعقیده اصلاحی خود کرده و از کجا که بعد يك نالی وارد نشود و حاجت بتکرار مطلب مرتبه سوم پیدا نگردد و اگر آن شخص سخنور صد نفر را هم در یکجا خطابه کند و آنها را ملتفت نکانی که از آنها غافلند بنهاید فردا صد نفر دیگری منکر مطلب جلو می آیند و یا باید ناطق از آن قریه بقریه دیگر رفته سخن را از سر بگیرد. فرضاً هم تمام این مطالب را در صد قریه تکرار کرد و نانی موقتی حاصل کرد مگر مطالب و دلایل بقدر يك مجلس صحبت است و فردا هزاران مطلب دیگر پیش نمی آید و مخالفین مطلب دلایل خود را بهمان جمع تکرار کرده دوباره آنها را اضلال نمی توانند بکنند در این صورت ناطق اولی باید باز برگردد و برای بجوش آوردن دنگهای سرد شده دو باره آتش سینه خود را بر آنها بدمد.

لکن اگر يك کتابی و بلکه چندین جلد کتاب فراغت خاطر و تعمق کافی و استدلال مبسوط نوشته شود فوراً همان آلت نشر خیالات در مدت کمی در تمام مملکت منتشر میشود و در آن واحد با صد هزاران اشخاص در موقع فراغت آنها مذاکره میکند و آنها را بدون تحریک خصومت و لجاج که گاهی نتیجه خطاب وجدال شخصی است بمطالب خود الزام مینماید و بدون مخارج قابل ذکری از شهری بشهری سفر میکند و در هر خانه ای

بدون تعارف و تکلف داخل میشود و با هر کسی در موقع میل و حضور قلب وی سخن گوید و بدین طریق در عرض یکماه میلیونها اهل ممالک از تمام عقاید همدیگر و دلایل موافق و مخالف مطلع میشوند و با همدیگر در جراید مباحثه میکنند تا حقیقت از میان احتجاجات هزاران اشخاص و تصادم صد هزاران عقول ظاهر و غالب گردد و اینهمه فقط بشرط آشنائی مردم بیک هنر خیلی جزئی و ساده یعنی خواندن سی چهل نقش (و یاد در خط فارسی بعلاوه اشکال ترکیبآت آنها) حاصل میشود. باین طریق همه اهل مملکت از افکار همدیگر مطلع شده و سخنوران و دانایان ملت میدانی برای خطاب بعامه مردم مملکت دارند و از شورای عمومی ملت حقایق ظهور و غلبه پیدا میکنند و ماشین شخم و شیار و تخم افشان بسرعت پیش رفته تخم هر اصلاحی را در مزرع میلیونها دلها می باشد و آبیاری استدلال و مباحثه و احتجاج و تکرار منظم و تذکار متوالی طولی نمیکشد که خرمن معرفت ملت همان حاصلی را بار میآورد که دانایان میخواستند. بدون تعلیم عمومی ابتدائی و باسواد کردن عامه ملت تمام اقدامات دلخوش کن بیک طبقه تربیت شده محدود و لو تعلیم عالی داشته باشند مانند نمایش بهار و گل و شکوفه و قواره آب است در صحنه تیاتر در ماه بهمن که بیرون را برف احاطه کرده باشد و جمعی محدود تماشای آن نمایش را کرده و خود را فریب بدهند. بدون تعلیم ابتدائی عمومی دسته محدود تربیت شدگان محلات شمالی طهران که نه عشر آنها اجزای ادارات دولت هستند در نظر انبوه ملت و عامه اهل مملکت « یک مشت فرنگی مآب » « چهار تا فکلی » « جمعی لایالی از زی خود خارج شده » هستند و افکار و عقاید بیک عده قدم زنان خیابان لاله زار بگوش مردم بروجد و مازندان و خلخل و رفسنجان نخواهد رفت سهل است تأثیری در مردم محلات چاله میدان و سید نصر الدین و خانیا باد نخواهد کرد.

بلاشک بزرگترین واجبات کیش ترقیخواهی علی الاطلاق سعی در نشر

تعلیم ابتدائی عمومی است و تا این نکته در مغز رجال مملکت و ارکان دولت جای نگیرد و بودجه معارف [مخصوصاً تعلیم ساده ابتدائی] از این میزان شرم انگیز بالاترفته و اقلأً عشر عایدات مملکت صرف این مقصود اهم که اولین اصل از اصول دین ترقی و تمدن و نجات و استقلال مملکت است نگردد و پایه معرفت عمومی و متوسط ملت بالاتر زود تمام اقدامات دیگر نقش بر آب و حباب درخشان اقیانوس ظلمت است.

بدبختانه اشخاصی که شور اقدام در این امر ندارند و یا بقدر لازم بحقائق عالیة فواید این کاری نبرده اند اغلب عذرهای مختلفی در ردّ پیشنهاد های راجع بتعلیم عمومی پیش میآورند که شاید هم برحسب ظاهر موجّه بنظر میآید. آن دلایل جمود و خمود عبارت از اینست: پول نداریم کتاب نداریم و بدر از همه معلم نداریم. چون جواب این سفسطه ها خود مقاله مبسوط دیگری میشود نمیخواهم بیش از این تطویل کلام کنم لکن بطور اجمال لازمست گفته شود پول کافی برای نشر تعلیم ابتدائی داریم ولی صرف امور دیگری میشود که اهمیت آنها نسبت باین امر بمنزله نقش ایوان نسبت به تشیید بنیان است و با کمال آسانی میتوان خیلی از مخارج دیگر را فدای این مقصود اساسی کرد اگر معلم و کتاب نداریم لازم نیست که اقدام بنشر تعلیم ابتدائی را از تأسیس مدارس ابتدائی شروع کنیم که در معلم و کتاب آن معطل بمانیم اگر شما دو میلیون تومان در سال صرف تعلیم ابتدائی بکنید ممکن است يك كرور و بلکه دو كرور از آنرا تا چند سال صرف تأسیس دارالمعلمین ها، نشر کتب سهل و ساده برای تعلیم ابتدائی، فرستادن محصلین بفرنك برای فرا گرفتن علم تربیت و آوردن معلمین دانا و مستشاران لایق تعلیم و تربیت از اروپا و آمریکا کرد همچنانکه اگر کسی لزوم ایجاد باغ بزرگی در فلان نقطه بایر پیشنهاد کند نمی شود در جواب او گفت بقدر کافی درخت تناور نداریم که فوراً باغی در آنجا ایجاد کنیم و مسلم است

که اگر چنین جوابی گفته شود پیشنهاد کننده باین عذر خندیده و خواهد گفت خوبست مبلغی را که سالیانه برای این کار منظور شده صرف آوردن تخم و کاشتن درخت و تربیت نهال و نشا کردن اصله ها بکنید تا سال دیگر باز این حرف را تکرار نکنید همانطور فراهم آوردن وسائل تعلیم ابتدائی نیز جزو خود کار است و قدیمی است رو به شاهراه سعادت حقیقی.

این بود عقیده اینجانب در جواب اقتراح مجله «آینده» و باید بگویم که با وجود طول این مقاله خیلی از تیر های دلایل در ترکش ماند و حق مطلب کما ینبغی ادا نشد لکن چون مجال مجله تنگ است سخن را بیک بیت ناصر خسرو و علوی ختم میکنم که گوید «مباش عام که عامه بجهل تهمت خویش چه بر قضای خدای و چه بر قدر دارد»

۲۴ شهریور ماه ۱۳۰۴

سید حسن تقی زاده

تصحیح

در مقاله «مقدمات آینده روشن» بقلم آقای تقی زاده مندرج در شماره اول این مجله غلط فاحشی روی داده است که ذیلاً تصحیح میشود. از قارئین محترم خواهشمندم نسخه خود را اصلاح فرمایند: صفحه ۲۴ سطر ۱۳ دو ملیون شاگرد غلط و صحیح آن ده ملیون است. (آینده)

فکر آینده

دانی ز چه با عواطف زنده خویش
 کرده است اروپا همه را بنده خویش؟
 ما جمله بفکر ذکر بگذشته خود،
 آنها همه در خیال آینده خویش.
 مایل تویسرکانی